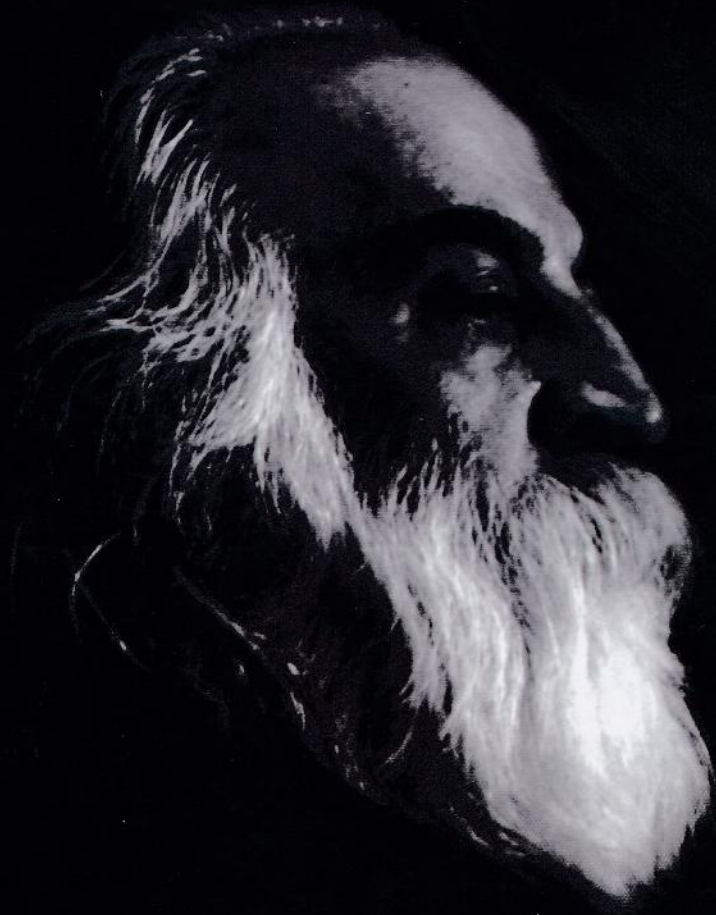


مجموعہ آثار
استاد محمد رضائی لطفی



کرد آور و آواز نثار

ہوشنگ فراہانی



سرشناسه:	فراهانی، هوشنگ، - ۱۳۴۶، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور:	مجموعه آثار استاد محمدرضا لطفی / گردآوری و آوانگاری هوشنگ فراهانی.
مشخصات نشر: تهران:	چکاد هنر، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری:	۵۵۲ ص، ۲۹×۲۲-م.
شابک:	۲۵۰۰۰۰۰ ریال
شابم:	979-0-802618-70-1
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	لطفی، محمدرضا، ۱۳۹۳ - ۱۳۲۵
موضوع:	موسیقی برای تار -- پارتیسیون
موضوع:	Tar (Lute) music -- Scores and parts
موضوع:	موسیقی برای ستهار -- پارتیسیون
موضوع:	Setar music -- Scores and parts
موضوع:	موسیقی ایرانی - دستگاه‌ها -- پارتیسیون
موضوع:	Music, Iranian -- Dastgah -- Scores and parts*
رده بندی کنگره:	MT۶۵۴
رده بندی دیویی:	۷۸۹/۷۲
شماره کتابشناسی ملی:	۷۵۳۸۰۳۰
وضعیت رکورد:	فیا

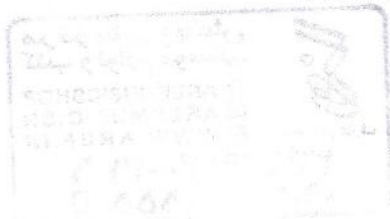
مجموعه آثار استاد محمدرضا لطفی
گردآوری و آوانگاری: هوشنگ فراهانی

ناشر: چکاد هنر
طرح جلد: یدالله تناور
عکس روی جلد: مرتضی موحّد
خوشنویسی: بیژن بیژنی
چاپ و صحافی: آذین
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۹
قیمت: ۲۵۰/۰۰۰ تومان
شابم: ۹۷۹-۰-۸۰۲۶۱۸-۷۰-۱

ISMN: 979-0-802618-70-1

تمامی حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ است.

تلفن مرکز فروش: ۰۲۶-۳۲۷۰۱۲۱۶ & ۰۲۶-۳۲۷۱۷۹۵۸



۱۳	مقدمه
۱۹	زندگینامه‌ی استاد محمدرضا لطفی
۲۵	زندگینامه‌ی مؤلف
۲۸	مقدمه به زبان انگلیسی
۴۴	فهرست علائم و نشانه‌ها
۴۵	جدول تطبیق حروف لاتین یا الفبای فارسی

دستگاه شور:

۴۷	۱. چهار مضراب شور ۱
۵۳	۲. چهار مضراب شور ۲
۵۶	۳. ضربی شور
۵۸	۴. به یاد نور علی برومند
۶۲	۵. تازه بهار
۶۷	۶. ای عاشقان
۷۴	۷. درس سحر
۷۸	۸. مرده بدم زنده شدم
۸۱	۹. دویتی‌های بابا طاهر

آواز ابو عطا:

- ۸۵ پیش درآمد ابو عطا ۱۰
- ۸۹ چهارمضراب ابو عطا ۱۱

آواز بیات ترک:

- ۹۷ پیش درآمد بیات ترک چاووش ۱ ۱۲
- ۱۰۰ پیش درآمد امید ۱۳
- ۱۰۳ ضربی شکسته چاووش ۱ ۱۴
- ۱۰۴ چهارمضراب شورآفرین ۱۵
- ۱۰۸ به یاد عارف چاووش ۱ ۱۶
- ۱۱۵ تصنیف آوای دوست ۱۷
- ۱۲۳ رنگ بیات ترک ۱۸

آواز افشاری:

- ۱۲۷ پیش درآمد افشاری ۱۹
- ۱۲۹ ضربی افشاری ۱ ۲۰
- ۱۳۲ ضربی افشاری ۲ ۲۱
- ۱۳۴ ضربی افشاری ۳ ۲۲
- ۱۳۶ بازآمدم ۲۳
- ۱۴۲ دلیرانه ۲۴
- ۱۴۶ ای حریفان ۲۵

۲۶. ای پدر ۱۵۲
۲۷. مقدمه برای تصنیف از کفم رها ۱۵۷
۲۸. تاسییده (در انتظار سحر) ۱۵۸

آواز دشتی:

۲۹. پیش در آمد دشتی ۱۶۴
۳۰. چهار مضراب دشتی ۱۶۷
۳۱. ضربی عشاق ۱۷۱
۳۲. در سوگ برومند ۱۷۴
۳۳. در کوچه سار شب ۱۷۹
۳۴. داروگ ۱۸۵
۳۵. شب نورد چاووش ۲ ۱۹۱
۳۶. ای وطن (وطنم ایران) ۱۹۷
۳۷. مژده (یار پسندید مرا) ۲۰۱
۳۸. همت کنید ۲۰۸
۳۹. رنگ دشتی ۱ ۲۱۱
۴۰. رنگ دشتی ۲ ۲۱۴

آواز بیات کرد:

۴۱. پیش در آمد بیات کرد «دلنگی» گل های تازه شماره ی ۲۰۰ ۲۱۷
۴۲. رنگ بیات کرد گل های تازه شماره ی ۲۰۰ ۲۱۹

دستگاه سه گاه:

۴۳. پیش در آمد سه گاه چاووش ۹ ۲۲۲
۴۴. پیش در آمد سه گاه دوم پرواز عشق ۲۲۵
۴۵. چهارمضراب زابل ۲۳۰
۴۶. دو ضربی سه گاه ۲۳۳
۴۷. ضربی حصار سه گاه ۲۳۸
۴۸. ضربی مخالف سه گاه ۱ چاووش ۱۰ ۲۴۰
۴۹. چهارمضراب سه گاه ۱ ۲۴۳
۵۰. چهارمضراب مخالف سه گاه ۲ ۲۴۸
۵۱. چهارمضراب مخالف سه گاه ۳ گریه ی بید ۲۵۶
۵۲. ناز لیلی گل های تازه شماره ی ۱۴۷ ۲۶۳
۵۳. تصنیف نامدگان و رفتگان چاووش ۹ ۲۷۰
۵۴. رنگ سه گاه چاووش ۹ ۲۷۷

دستگاه چهار گاه:

۵۵. مقدمه ی چهار گاه ۲۸۱
۵۶. نغمه ی ظفر ۲۸۸
۵۷. دیده بگشا ای برادر چاووش ۴ ۳۰۴
۵۸. دو ضربی چهار گاه ۳۰۹
۵۹. چهارمضراب چهار گاه ۳۱۸

دستگاه ماهور:

۶۰. مقدمه‌ای در ماهور گلبانگ و سرود ۳۳۰
۶۱. دو ضربی ماهور ۳۳۴
۶۲. ضربی مجلس افروز ۳۳۶
۶۳. ضربی عراق ۳۳۸
۶۴. چهارمضرب ماهور ۱ ۳۳۹
۶۵. چهار مضرب ماهور ۲ ۳۴۳
۶۶. عاشقان سرمست ۳۴۵
۶۷. آزادی چاووش ۲ ۳۵۰
۶۸. ای ایران ۳۵۴
۶۹. سپیده ۳۵۷
۷۰. بشارت ۳۶۲
۷۱. بمیرید، بمیرید ۳۶۶
۷۲. سپیده‌ی سحر ۳۷۱
۷۳. عید عاشقان ۳۷۸
۷۴. عید آمد ۳۸۱
۷۵. بیا تا گل برافشانیم ۳۸۵
۷۶. دنا سرود اول ۳۹۰
۷۷. دنا سرود دوم ۳۹۲
۷۸. جان مست ۳۹۵

۷۹. عکس حاضر باش بر اساس قطعه‌ی حاضر باش از استاد وزیری ۳۹۹

۸۰. آن دلبر من ۴۰۱

۸۱. رنگ ماهور ۴۰۷

دستگاه همایون:

۸۲. هنر گام زمان ۴۱۰

۸۳. تصنیف بیداد «آغاز جهان» ۴۲۲

۸۴. چهارمضراب همایون ۴۲۶

آواز شوشتری:

۸۵. پیش درآمد شوشتری ۴۳۱

۸۶. آذرخش ۴۳۶

۸۷. کاروان شهید ۴۴۱

۸۸. یا دوست ۴۴۷

۸۹. جمع مستان ۴۵۱

آواز بیات اصفهان:

۹۰. پیش درآمد اصفهان ۱ ۴۵۳

۹۱. پیش درآمد اصفهان ۲ ۴۵۷

۹۲. چهارمضراب اصفهان ۱ ۴۶۳

۹۳. چهارمضراب اصفهان ۲ ۴۶۹

۹۴. بشنوید ای گروه جانبازان ۴۷۲

۹۵. تیغ باید خون فشاند ۴۷۶
۹۶. سرود تحصن دانشگاه تهران ۱۳۵۷ ۴۸۰
۹۷. گفتم غم تو دارم ۴۸۳
۹۸. رنگ بیات اصفهان ۴۸۸

دستگاه نوا:

۹۹. سمن بویان ۴۹۰
۱۰۰. لرزه افتاد بر اندام وطن (زلزله‌ی رودبار) ۴۹۴
۱۰۱. مشتاق دیدار ۴۹۷
۱۰۲. من مست و تو دیوانه ۵۰۴
۱۰۳. زخمه‌ی ساز ۵۰۸

دستگاه راست پنجگاه:

۱۰۴. مقدمه‌ی چشمه‌ی نوش ۵۱۴
۱۰۵. قافله سالار ۵۱۷
۱۰۶. چهارمضرب راست پنجگاه ۱ ۵۲۴
۱۰۷. چهارمضرب راست پنجگاه ۲ ۵۲۷
۱۰۸. تصنیف طرز فرود به مقام راست ۵۳۴

موسیقی متن فیلم حاجی واشنگتن به کارگردانی زنده‌یاد علی حاتمی:

۱۰۹. عنوان‌بندی آغاز «حاجی واشنگتن ۱» ۵۳۹
۱۱۰. ضربی شوشتری «حاجی واشنگتن ۲» ۵۴۰
۱۱۱. راز و نیاز «حاجی واشنگتن ۳» ۵۴۱

۱۱۲. ضربی بیداد «حاجی واشنگتن ۴» ۵۴۳
۱۱۳. چهارگاه «حاجی واشنگتن ۵» ۵۴۴
۱۱۴. عنوان‌بندی پایان، نماز شام غریبان «حاجی واشنگتن ۶» ۵۴۹

تعدادی از آثار نایاب:

۱. سرود زنان با تنظیم پرویز منصوری برای پیانو و کُر
۲. تصنیف نوا با صدای جناب شهرام ناظری، همراه با یک اثر بی کلام ضبط شده در استودیو وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روز آغاز جنگ ایران و عراق در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹
۳. اثری بر روی شعری از سیاوش کسرایی «آرش کمانگیر» در منظوری چهارگاه
۴. اثری روی شعر شاملو بیابان را سراسر مه گرفته است.
۵. اثری روی شعر نیمایوشیج می تراود مهتاب
۶. قطعه‌ای به مناسبت تولد امید فرزند استاد لطفی
۷. اثری بر روی نمایشنامه‌ی «لونه‌ی شغال» علی نصیریان

مقدمه:

سخنم را با بیتی از حضرت سعدی آغاز می‌کنم که می‌فرماید:

خاکی از مردم بماند در جهان وز وجود عاشقان خاکستری

هر گوشه‌ای از این سرزمین، آرامگاه عاشقان و قلندرانی است که روزگاری چند بر این خاک گذشتند. اندوختند و آموختند. عاشقی کردند به رسمی دیرین به یادگار، از عارفان و قلندرانی که در این وادی حیرانی و جنون سوختند و دریغ و درد که از این سرای غریب بگذشتند. چه بسیار باشد اما روزگارانی پس از این، که نغمه‌ها و سروده‌های‌شان همچنان بر جان مردمان بنشسته باشد و قرن‌ها نیز اگر بگذرد، گذشته باشد؛ که در روح و جان تاریخ جاری هستند و میراث‌شان اعتبار و آبروی آیندگان و نسل‌های پس از ما خواهد بود. از پس قرن‌ها نیز اگر که بگذری، از خاک و تربت‌شان بوی عشق می‌آید و چه بسیار باشد حدیث‌شان بر سر بازار عاشقی و نام‌شان بر زبان مردم روزگاران جاری. هر نغمه‌ی سفزشان آهنگ شیدایی و جنون است که در این گذرگاه فانی روزگار، ریشخندی باشد بر سودائیان هنر.

که به فرموده‌ی حافظ بزرگ:

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

درباره‌ی استاد محمدرضا لطفی گفته‌ها و ناگفته‌ها بسیار است و به‌راستی می‌توان وی را فصلی تازه در موسیقی دستگاهی ایران دانست. هنرمندی که با نواخته‌ها و ساخته‌هایش، یکی از درخشان‌ترین صفحات موسیقی ایران را با محوریت ردیف موسیقی دستگاهی و با اندیشه و نگاهی نو، در ارتباط با مسائل اجتماعی و نیازهای روزگار خود رقم زد. در دورانی که هنر جدی موسیقی به دست فراموشی سپرده می‌شد، وی توانست با نگاهی تازه، گونه‌ای دیگر از موسیقی هنری و متعهد به ارزش‌های جاری جامعه را به وجود بیاورد. محمدرضا لطفی را می‌توان میراث‌دار هنرمندان موسیقی دستگاهی ایران در تاریخ صد سال گذشته‌ی این سرزمین دانست. هنرمندی مشتاق و وفادار به میراث گذشتگان، که سعی در شناخت بنیان‌های موسیقی قدیم ایران داشت و گذشته از یگانگی در نواختن تار، با تلاشی مستمر درک بسیاری از ظرافت‌های هنر موسیقی عصر خود به‌دست آورد و همواره با بر دوش کشیدن بار مسئولیت‌های اجتماعی و فرهنگی، خود را در برابر نسل خود و آیندگان مسئول می‌دانست. نسلی که برای ساختن و پرداختن به کاستی‌های فرهنگی راهی بس طولانی را پیش روی دارد.

مرگ نابهنگام محمدرضا لطفی در زمانی روی داد که هنوز هم حضور وی می‌توانست تأثیر شگرفی در هدایت نسل‌های جدید و بر مدیریت هنری در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری موسیقی معاصر بگذارد. در روزگاری که بنیان‌های موسیقی دستگامی ایران بواسطه‌ی عوامل سیاسی و اجتماعی دستخوش تغییرات عمیقی شده است، تجربیات وی و گذران سالیان طولانی در عرصه‌ی فرهنگ موسیقی، همچنان می‌توانست به بنیان‌های موسیقی ناب و فرهنگ کهن ایران‌زمین صورت و جلوه‌ی تازه‌ای ببخشد.

تجاری شدن فرهنگ و ظهور موسیقی تجاری، همراه با پیدایش و گسترش رسانه‌های جمعی یکی از پدیده‌ها و شاخص‌های عصر حاضر است. مکانیسمی در جهت استفاده از صنعت تجاری فرهنگ و به‌کارگیری ابزارگونه‌ی هنر در طول عصر حاضر شکل گرفته است که با اهدافی به ظاهر آراسته به نام فرهنگ، مخاطبان ناآگاه و ناآشنا با ساختارهای فرهنگی و ارزش‌ها و هویت‌های ملی و قومی را به خود جذب می‌کند؛ افرادی که به هیچ روی از نقش پویای فرهنگ موسیقی یا هنرهای ساختارمند دیگر و نیز از جایگاه و نقش این هنرها در جوامع و کشورهای در مسیر توسعه‌یافتگی فرهنگی آگاه نیستند. از این‌رو ابتدال در هنر در قالب ساختارهای کلیشه‌ای، پیوسته و آرام به عنوان فرهنگی نهادینه، جوامع را دربر گرفته و به عنوان یک اصل و نابهنجاری در قالب هنجارهای ممکن و موجود پذیرفته می‌شود. معیارهای هویت جمعی ملت‌ها در گذر زمان رنگ باخته و دگرگون شده و اصالت و ابعاد هنری خود را از دست می‌دهند.

عبور از تنگناهای بحرانی در فرهنگ و اندیشه، همواره با همت و تلاش اقلیت هوشیار و نخبگان متعهد شکل می‌گیرد. در اینجا نقش روشنفکران و معیارهای ذهنی نوگرایانه و نگاه زیباشناسانه‌ی ایشان، نمود بیشتری در بازیابی هویت فرهنگی و استمرار آن برای بازسازی، فرهیختگی و بلوغ جوامع پیدا می‌کند. لذا ضروری است نسل حاضر با دستاوردهای هنرمندان و اندیشمندان نسل‌های پیشین آشنا شوند. میراثی معنوی، که حاصل اندیشه و ورزی اندیشمندان و عاشقان این دیار بوده و با عبوری پر محنت و سخت از تاریکخانه‌ها و هزارتوی پریچ‌وخم تاریخ به دست ما رسیده است. بنابراین ضروری است که نسل حاضر در ارتباط با فرهنگ موسیقی و ارزش‌های ملی و قومی خود، به درک و دریافتی نوین از پدیده‌های فرهنگی و هویت جمعی و مفاهیمی چون اصالت، هویت و تعهد در هنر برسد.

درک فرهنگ موسیقی نیز بسان دیگر پدیده‌های اجتماعی، بدون در نظر گرفتن سیر جریان‌های تاریخی آن ممکن نیست. «فرهنگ» توسط نخبگان و هنرمندان جوامع تولید می‌شود و در هر مقطعی از زمان و در شرایط تاریخی مشخص، تفسیر و تأویل تازه‌ای می‌یابد. این ارزش‌های معنوی به تدریج در لایه‌های ناخودآگاه انسان‌ها نفوذ کرده و به بخشی از ارزش‌ها و هویت جمعی جوامع بشری تبدیل می‌شوند. مردمان آگاه نیز در حفظ و

صیانت این ارزش‌ها کوشیده‌اند تا در بحران‌ها و بزنگاه‌های تاریخ، نیک و بایسته به مصرف برسند. از این است که میراث فرهنگی و هنری، وزن و مقدار یافته و مسئولیت حفظ و تداوم آن برای نسل‌های آینده و بر دوش ما سنگین‌تر خواهد بود. این نقش روشنفکران و هنرمندان است که با راهبری هنری، مطالعاتی، آموزشی و به وجود آوردن معیارهای شاخص و ارزش‌های نوین، راهی را برای گذار از دوران مختلف تاریخ جستجو کنند.

با توجه به آنچه گفته شد، ارزش و اهمیت هنرمندانی چون محمدرضا لطفی نزد ما، وزنی مخصوص خواهد یافت. میراث محمدرضا لطفی، همانا جریان و روح تازه‌ای بود که در کالبد موسیقی ایران دمید. چه در ابعاد هنری موسیقی و ابداع شیوه‌های نوین در نوازندگی تار و آفرینش ساختاری بدیع در موسیقی دستگاهی ایران و چه در ضرورت حضور در جریان‌های اجتماعی در کوران تحولات و انقلاب در سال ۱۳۵۷ و حوادث پس از آن در سالیان جنگ.

موسیقی متعهد یا موسیقی معترض یا نوعی از موسیقی از دست و زبانی دیگر، در میان انبوهی از جماعت نوازندگان و هنرمندان منفعل، سابقه‌ای طولانی نداشته است، چون درک ضرورت، به ادراک حضور است و داشتن اندک پیشی از تغییرات ناگزیر و سرنوشت محتوم ملت‌ها. مگر اندکی در اقلیتی چند در دوران انقلاب مشروطه؛ هنرمندانی چون عارف قزوینی و فرخی یزدی، میرزاده عشقی و... که بار دیگر در روزگار معاصر، تجلی آرمان‌خواهی و آزادیخواهی ایشان، در نسل موسیقی‌دانان جوان دوران انقلاب ۱۳۵۷ چون محمدرضا لطفی، حسین علیزاده و پرویز مشکاتیان و... تبلور می‌یابد و بار دیگر مسیر و جریان تازه‌ای در موسیقی ایران گشوده می‌شود. از مشخصه‌های بارز موسیقی این نسل، همانا آرمان‌خواهی و مبارزه است تا هر زخمه‌ی ساز و هر کلامی، در ستایش آزادی و آزادگی و ارزش‌های والای انسانی قرار گیرد. موسیقی در این دوران، شکل متفاوتی از بیان هنری در قالب موسیقی دستگاهی است که با نبض تپنده‌ی جریان‌ات اجتماعی آن روزگار، همگام و همراه می‌شود. در این دوره با تغییر فضای سیاسی و اجتماعی، شاهد گسستی در سبک و سیاق و عادات مألوف موسیقی پیشین هستیم. نوع مصارف موسیقی محفلی با شکست ساختارها و دگردیسی جامعه به برداشت و روایت تازه‌ای از موسیقی دستگاهی می‌انجامد. در پس آمد بحران‌های تاریخی انقلاب و جنگ و پیامدهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها، بسیاری از مسائل و دیدگاه‌ها تغییر می‌یابد. موسیقی نیز به عنوان پدیده‌ای هنری و پویا از این تحولات برکنار نمی‌ماند.

در این دوران نسلی دیگر به ظهور می‌رسد که آمیخته‌ای است از دانش آموختگان هنرستان موسیقی و دانشگاه نویای موسیقی و هنرهای زیبا و همچنین وفادار به مکتب اساتیدی چون مرتضی نی‌داود، ابوالحسن صبا، موسی معروفی، درویش‌خان، نورعلی برومند و... که اعتقاد به آموزش ردیف موسیقی ایران داشته و اصالت را همچنان

در آموزش شفاهی و درک شهودی از موسیقی می‌دانند. در این میان با تأسیس مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی، رویکردی دیگر و موجی تازه در گرایش نسل جوان به موسیقی سنتی ایران شکل می‌گیرد.

در سال‌هایی که انقلاب ایران در حال شکل‌گیری است، برخی از هنرمندان موسیقی ایران، تحت تأثیر فضای ملت‌پسند سیاسی، دست به آفرینش آثاری با بیانی نو و تصانیفی با محتوای جدید می‌زنند. اشعار این تصانیف نیز با بهره‌گیری از سروده‌های شاعرانی با شیوه‌های جدید و مضامین اجتماعی و انقلابی انتخاب می‌شوند. همان‌گونه که گفته شد، این تحرکات باعث به‌وجود آمدن جریانی نوین، در مسیر هنر موسیقی ایرانی می‌شود. این بار موسیقی ایران با نگاهی هنری و شوری انقلابی، جایگاه تازه‌ای نزد روشنفکران و خواص می‌یابد و به تدریج همراه با شکل گرفتن جریانات سیاسی این سرودها و نواخته‌هایی با ساختاری جدید، در میان توده‌های مردم راه پیدا می‌کند. گروه‌های موسیقی «شیدا» به سرپرستی محمدرضا لطفی و گروه «عارف» به سرپرستی حسین علیزاده و پرویز مشکاتیان از پیشگامان این جنبش نوین هستند.

دوران زندگی هنری محمدرضا لطفی را می‌توان به چند دوره‌ی مختلف تقسیم کرد:

- دوره‌ی شکل‌گیری و آغاز کار هنری
- دوره‌ی تشکیل گروه شیدا
- دوره‌ی تشکیل کانون فرهنگی و هنری چاووش
- دوره‌ی دوری از وطن و مهاجرت
- دوره‌ی بازگشت

هریک از دوره‌های زندگی استاد محمدرضا لطفی دارای مشخصه‌های خاصی است که می‌بایست با توجه به شرایط اجتماعی و تاریخی خاص خود مورد بررسی قرار گیرد. دوره‌ی آغازین زندگی هنری وی تحت تأثیر آموزه‌های استادان پیشین و تمرکز بر شکل‌گیری شیوه‌های نوازندگی و رسیدن به بلوغ هنری و دیدگاه‌های اجتماعی بوده است. در این دوران است که با بازسازی آثار گذشتگان به کندوکاو در موسیقی قدیم ایران می‌پردازد که این واکاوی‌ها در سرانجام خویش، منجر به آفرینش آثاری جدید بر پایه‌ی موسیقی دستگامی و ابداع شیوه‌ای نوین در نوازندگی تار می‌شود. ورود به دانشکده‌ی موسیقی هنرهای زیبا، افق نگاه وی را نسبت به ساختار علمی موسیقی ایران و جهان گسترش داده که حاصل این توجه و نگاه علمی به مباحث تئوریک، در دوره‌ی بعدی زندگی هنری وی، انتشار مجموعه مقالات و کتاب‌هایی است که تحت عنوان «کتاب سال شیدا»

در ۱۲ شماره به چاپ می‌رسد. این کتاب‌ها حاوی مقالاتی از محمدرضا لطفی به عنوان نویسنده و پدیدآورنده و همچنین دیگر نویسندگان و هنرمندان و محققان، با موضوع موسیقی ایران و جهان می‌باشد.

با تشکیل «گروه موسیقی شیدا» گام‌های بلندتری در راه احیای سنت‌های پیشین موسیقی دستگاهی ایران برداشته می‌شود. این گروه آثاری را در برنامه‌های رادیویی همچون گلچین هفته به اجرا درمی‌آورد که مخاطبان تازه‌ای از میان نسل جوان پیدا می‌کند. شوریدگی وی در نواختن تار و شوق به آموزش، اشتیاق عده‌ای از جوانان را به فراگیری و نواختن تار و سه‌تار و دیگر سازهای موسیقی ایرانی برمی‌انگیزد، که بسیاری از این هنرجویان هم اکنون از هنرمندان برجسته‌ی موسیقی ایرانی به شمار می‌روند. «گروه شیدا» در سال‌های پس از انقلاب و تا روزهای پایانی زندگی پربار استاد محمدرضا لطفی به فعالیت مداوم خود ادامه داد و لیکن هربار با ترکیبی تازه تر و هنرمندان متعددی که در دوره‌های مختلف با این گروه به همکاری پرداختند. آنچه از اهمیت بسیاری برخوردار است، حضور همیشگی وی به عنوان «قافله سالار»، این حرکت مداوم در عرصه‌ی موسیقی را، در طول مدتی طولانی در حدود چهل سال به انجام می‌رساند.

تشکیل «کانون فرهنگی و هنری چاووش» با حمایت همیشگی استاد هوشنگ ابتهاج، گام بلندی در تثبیت فعالیت گروه‌های «عارف» و «شیدا» به شمار می‌رود که به تولید و انتشار ۱۲ آلبوم، با تلاش تمامی اعضای این کانون به انجام می‌رسد. این آثار شامل برخی از سرودهای حماسی، تکنوازی سازهای ایرانی، تصانیفی با روحی عرفانی از ادبا و شاعران کلاسیک ایران و همچنین بداهه‌پردازی‌هایی بر اساس ردیف موسیقی دستگاهی است. بر همین پایه آثار محمدرضا لطفی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- آثاری همچون پیش‌درآمدها، رنگ‌ها، قطعات ضربی و چهارمضرب‌هایی که بر اساس ردیف موسیقی دستگاهی ایران ساخته شده‌اند.
- سرودها و تصانیفی حماسی با مضامین اجتماعی با تأثیر از وقایع انقلاب ایران و جنگ ایران و عراق با اشعاری از شاعرانی از عصر انقلاب مشروطه تا شاعران نوگرای معاصر.
- بداهه‌نوازی‌ها، بداهه‌خوانی‌ها و هم‌نوازی‌ها با محتوایی عرفانی با اشعار شاعران کلاسیک ایران.

برخی از این قطعات دارای شکل و ساختار تازه‌ای هستند که در زمان خود، با نگاهی به ریشه‌های کهن موسیقی، آثاری بدیع به شمار می‌رفته است. تغییر ضرب‌آهنگ و تأکیدهایی که بر اساس سیستم ادواری موسیقی قدیم ایران و افاعیل عروضی اشعار، بر روی ضرب‌های مختلف صورت می‌گرفت، از تلاش‌هایی بود که برای تنوع بخشیدن به نغمه‌های برگرفته از ردیف موسیقی دستگاهی، بوجود آمد. (همانند قطعات ضربی در

آلبوم چاووش ۶ و چاووش ۸) استفاده از آواز در میان قطعات ضربی طولانی، از دیگر روش‌هایی بود که به منظور جذب مخاطبان به آواز ایرانی به کار گرفته می‌شد تا مبادا که آواز ایرانی به دست فراموشی سپرده شود.

محمد رضا لطفی سالیانی طولانی از عمر خود را در خارج از ایران سپری می‌کند که به زعم نگارنده، اگر در این سال‌ها نیز در ایران حضور می‌داشت، شاید سرنوشت موسیقی معاصر ایران به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. با وجود این، در طول این سال‌ها همچنان با مداومت به کار موسیقی و نگارش مقالات و آموزش به علاقه‌مندان موسیقی می‌پردازد.

هرچند که محمد رضا لطفی دیگر در میان ما نیست، ولی حاصل زندگی او، نیم قرن تلاش و استمرار در راه احیای فرهنگ و هنر این سرزمین بوده است که می‌تواند راهگشای هنرمندان، نوازندگان و موسیقی‌پژوهان باشد. هر برگ از آثار وی می‌تواند تاریخی مکتوب و گویا از راه پر مخاطره‌ای باشد که پدران و نسل پیش از ما در عرصه‌های تاریخی و اجتماعی پیموده‌اند. محمد رضا لطفی، هنرمندی بود که از زمان خود فراتر می‌اندیشید. موسیقی برای وی، زبانی برای بیان و حضور در عرصه‌ی تعاملات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود. هرچند که تلاش هنرمندان و روشنفکران در عرصه‌های فرهنگ و هنر، همیشه آن چیزی نیست که انتظار می‌رود. نه آن جهان آرمانی تحقق می‌یابد و نه همگان به یک راه و به یک آرمان می‌اندیشند. ولی همواره این تلاش بی‌وقفه در میان «نامدگان و رفتگان» در جریان خواهد بود تا مگر دنیایی ممکن از این جهان موجود فراهم آید. جهانی در صلح و بر پایه‌ی آرمان‌های انسانی. بی‌گمان آنچه در این تکاپوی بی‌پایان به انجام می‌رسد، به ضرورت و اضطرار زمان بوجود آمده است تا مگر هنری آفریده شود که باید؛ و زیستی آن‌گونه که در دوران زندگی خویش بایسته باشد.

عطار نیشابوری در فرازی از منطق‌الطیر در ذکر یحیی بن معاذ رازی می‌فرماید:

«...و گفت: اگر دوزخ مرا بخشند هرگز هیچ عاشق را نسوزم از بهر آنکه عشق خود او را صدفبار سوخته است. سائلی گفت: اگر آن عاشق را جرم بسیار بود، او را نسوزی؟»

گفت: نی، که آن جرم به اختیار نبوده است؛ که کار عاشقان اضطراری بود نه اختیاری.»

زندگی نامه استاد محمدرضا لطفی:

محمدرضا لطفی در هفدهم دی ماه سال ۱۳۲۵ در شهر گرگان در خانواده‌ای فرهنگی چشم به جهان گشود. پدر و مادر وی هر دو معلم بودند، ولی پس از مدتی، پدر شغل تدریس را رها کرده و به زراعت و کشاورزی می‌پردازد. نوازندگی ویلن و تار را از شانزده سالگی نزد برادر بزرگتر خویش آغاز کرده و در نوجوانی در سال ۱۳۴۳ موفق به دریافت جایزه‌ی نخست موسیقی دانان جوان می‌شود. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در شهر گرگان، برای ادامه‌ی کار موسیقی به تهران آمده و با حضور در دوره‌ی شبانه‌ی هنرستان موسیقی به مدت پنج سال، از آموزش و شیوه‌ی نوازندگی استادانی چون علی‌اکبر شهنازی و حبیب‌الله صالحی بهره می‌جوید. در شیوه‌ی نوازندگی تار در ابتدا، تحت تأثیر نوازندگی و شیوه‌ی استادان لطف‌الله مجد و جلیل شهناز راه سپرده، ولی پس از گذراندن دوره‌های ردیف موسیقی ایرانی و ممارست و کار بر روی شیوه‌ی نوازندگی مرتضی‌خان نی‌داود، نصرالله زرین‌پنجه، موسی معروفی و... به شیوه و بیانی مشخص می‌رسد که امروزه به عنوان شیوه‌ی استاد محمدرضا لطفی شناخته می‌شود.

آشنایی وی با هنرمندانی چون حسین علیزاده و پرویز مشکاتیان، خانواده‌ی کامکار، علی‌اکبر شکارچی، محمدرضا شجریان، شهرام ناظری و برخی دیگر از نوازندگان و خوانندگان موسیقی ایرانی در هنرستان ملی موسیقی و مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی ایران، موجب همکاری مستمر ایشان در سال‌های بعد شده و در نهایت به تشکیل گروه‌های «عارف» و «شیدا» منجر می‌شود. در سال‌های تحصیل در هنرستان به دعوت زنده‌یاد استاد حسین دهلوی به ارکستر صبا راه یافته و به نوازندگی در ارکستر می‌پردازد.

محمدرضا لطفی برای تکمیل دانسته‌های خود به دانشکده‌ی موسیقی هنرهای زیبا راه یافته و در سال ۱۳۵۳ زیر نظر دکتر محمدتقی مسعودیه، با پژوهشی تحت عنوان «موسیقی آوازی ایران مکتب اصفهان و تبریز» موفق به دریافت مدرک کارشناسی از دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران می‌شود. وی همزمان با تحصیل در دانشگاه، با حضور در مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی ملی ایران، نزد استادانی چون نورعلی برومند، عبدالله دوامی و سعید هرمزی دانسته‌های خویش در موسیقی ایرانی را گسترش می‌دهد. حضور محمدرضا لطفی در جشن هنر شیراز در سال ۱۳۵۴ با همراهی استادان محمدرضا شجریان و ناصر فرهنگ‌فر با اجرایی در دستگاه راست پنجگاه مورد توجه بسیار قرار می‌گیرد. «گروه موسیقی شیدا» بر اساس طرحی از پیش تعیین شده و با پیشنهاد هوشنگ ابتهاج، مدیر مرکز موسیقی در رادیو، شکل می‌گیرد. این گروه در سال ۱۳۵۴ با همراهی تی چند از دیگر هنرمندان موسیقی موجودیت یافته و محمدرضا لطفی، با همکاری این هنرمندان به آفرینش آثاری با الهام از ردیف موسیقی ایرانی و بازآفرینی آثار گذشتگان می‌پردازد.

همکاری وی با رادیو از سال ۱۳۵۳ و اجرای آثار موسیقی سازی و آوازی در قالب دستگاه‌های موسیقی ایرانی و سعی در تنوع بخشیدن به آثار جدید، موجب جذب طیف گسترده‌ای از جوانان و علاقمندان به موسیقی ایرانی می‌شود. سرانجام در اعتراض به وقایع هفدهم شهریور ۱۳۵۷ همراه با جمعی از دیگر هنرمندان، از رادیو و تلویزیون استعفاء داده و به شکل مستقل تری به کار موسیقی می‌پردازد.

محمدرضا لطفی در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ به عنوان مدیر گروه موسیقی در دانشکده‌ی موسیقی هنرهای زیبای دانشگاه تهران، به فعالیت هنری پرداخت. همکاری با خانم فوزیه مجد در مرکز گردآوری و شناخت موسیقی بومی ایران، همکاری با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و همکاری با رادیو و تلویزیون ملی ایران از عمده فعالیت‌های محمدرضا لطفی در سالیان پیش از انقلاب است.

تشکیل «کانون موسیقی چاووش» با حمایت استاد هوشنگ ابتهاج، حرکت تازه‌ای در دوران زندگی هنری محمدرضا لطفی به شمار می‌رود. با تشکیل کانون فرهنگی و هنری چاووش دوره‌ی پرباری از زندگی هنری محمدرضا لطفی و دیگری اعضای کانون چاووش شکل می‌گیرد. حاصل کار در کانون چاووش، ارائه‌ی شیوه و روایتی جدید از موسیقی سنتی ایران است که توسط این هنرمندان تولید و در دسترس عموم مردم قرار می‌گیرد. «کانون چاووش» با نوآوری در تولید و آفرینش قطعات موسیقی و با اجراهای گروهی و همچنین انتخاب اشعاری با مضامین اجتماعی تازه‌تر، موجب به‌وجود آمدن موج تازه‌ای از نوگرایی در موسیقی سنتی ایران و ایجاد جریان و مسیر تازه‌ای در موسیقی ایرانی می‌شود. تمامی این سرودها و دیگر آثار در قالب موسیقی دستگاهی ایران، ساخته و پرداخته می‌شوند که در برخی از این آثار تلاش‌هایی برای رسیدن به بافتی چندصدایی در ساختار موسیقی ایران دیده می‌شود. آغاز این فعالیت‌ها مقارن است با انقلاب سال ۱۳۵۷ که هنرمندان چاووش خود را در مسائل اجتماعی سهم دانسته و سرودهای بسیاری را در رثای آزادی و آرمان‌های میهنی ضبط و اجرا می‌کنند که هم اکنون نیز بازخوانی این آثار، یادآور برخی از وقایع تاریخی و اجتماعی ایران در طول سال‌های انقلاب و سال‌های پس از آن در دوران جنگ بین ایران و عراق است. پس از پیروزی انقلاب در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ گروه شیدا، کنسرت‌هایی را جهت همراهی با مردم در مناسبت‌های مختلف به اجرا می‌گذارد، برخی از این اجراها عبارت هستند از:

- اولین کنسرت گروه شیدا پس از انقلاب، اجرای سرود «ایران ای سرای امید» در دانشگاه ملی تهران (دانشگاه شهید بهشتی)
- کنسرت در دانشگاه شریف
- کنسرت پارک ارم

- کنسرت در میدان آزادی
- اجرای موسیقی آذری در سندیکاى بافندگان سوزنی به همراهی حسین عزیزاده و با صدای هنرمند آذری «هوشنگ اوج»
- اجرای کنسرت با گروه شیدا برای کارمندان و کارگران پالایشگاه نفت شهرری
- آخرین کنسرت گروه شیدا، کنسرت چهارگاه در انجمن زرتشتیان و در برخی از سفارتخانه‌ها
- کنسرت‌های دوره‌ای در کانون فرهنگی و هنری چاووش
- کنسرت با همراهی گروه عارف در سالن دانشکده‌ی هنرهای زیبا
- ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹ اجرای کنسرت ابوعطا در بخش فرهنگی سفارت آلمان به همراهی استاد محمدرضا شجریان (عشق داند)
- کنسرت در گرگان، مشهد و برخی از دیگر شهرستان‌ها
- آخرین کنسرت تکنوازی در سفارت ایتالیا ۱۳۶۴

سرانجام در سال ۱۳۶۳ به دلیل محدودیت‌هایی که در سال‌های آغازین پس از انقلاب به وجود آمد، کانون فرهنگی و هنری چاووش منحل شد و محمدرضا لطفی برای ادامه‌ی فعالیت‌های هنری خود و معرفی موسیقی ایرانی، راهی سفرهای بسیار می‌شود. وی به برگزاری کنسرت‌هایی در ایتالیا، فرانسه و آلمان و دیگر کشورهای اروپایی می‌پردازد و سرانجام در سال ۱۳۶۵ برای مدتی نسبتاً طولانی در آمریکا اقامت می‌گزیند و علاوه بر برگزاری کنسرت‌های متعدد در سراسر آمریکا، مرکز فرهنگی هنری شیدا را در واشنگتن بنیان می‌گذارد. محمدرضا لطفی در سال‌های دوری از وطن، بیش از سیصد کنسرت در کشورهای مختلف برگزار کرده و همچنان به آموزش، ترویج و معرفی موسیقی ایرانی می‌پردازد. هرچند که او در سالیان دوری از وطن، همواره در حال فعالیت، اجرا و ضبط موسیقی بوده، ولی به هر روی می‌توان گفت؛ دوری از بستر فرهنگی ایران و جامعه‌ی ایرانی که خاستگاه اصلی این موسیقی به شمار می‌رود، باعث گند شدن روند خلق آثار بدیع می‌گردد و نسبت به گذشته و سالیان حضور وی در ایران، آثار اندکی از روزگار زندگی در غربت از وی بجا مانده است.

استاد محمدرضا لطفی، پس از سال‌ها دوری از وطن در سال ۱۳۸۵ به قصد احیای دوباره‌ی گروه شیدا و از سر گرفتن فعالیت‌های هنری به ایران بازمی‌گردد. افسوس که این دوره‌ی پرآر کوتاه است و وجود برخی از مشکلات و شرایط اجتماعی، مانع از حرکت‌های تازه چونان گذشته می‌شود، ولی محمدرضا لطفی با توجه به موانع موجود و همه‌ی آنچه گفته شد، با تمام توان و با شوری دوباره، گروه‌های سه‌گانه‌ی شیدا شامل گروه اصلی شیدا، گروه بانوان و گروه بازسازی آثار گذشتگان را، تشکیل داده و سعی در تولید آثار موسیقایی و به وجود آوردن حرکت و جریان تازه‌ای در موسیقی ایران می‌کند. تدریس، تحقیق و آموزش و جذب نوازندگان

و خوانندگان جوان، انتشار مقالات در کتاب سال شیدا و نشریه‌ی داخلی مرکز آموزشی شیدا، اجرای برنامه‌های رادیویی در تشریح و تفسیر و شناخت کارگان و ردیف موسیقی ایرانی، اجرای چندین کنسرت در تهران و شهرستان‌ها، تعامل با دیگر هنرمندان و سازندگان ساز، مصاحبه‌های مطبوعاتی و... بهانه‌هایی برای حضور دوباره‌ی وی در عرصه‌ی موسیقی ایرانی بود.

دیدنی آن قهقهه‌ی کیک خرامان حافظ که ز سرینجه‌ی شاهین قضا غافل بود

سرانجام چراغ پرفروغ عمر «استاد محمدرضا لطفی» هنرمندی که تمامی سال‌های زندگی‌اش را صرف خدمت به هنر موسیقی و پیشبرد اهداف فرهنگی و هنری کرده بود، در سحرگاه بامداد جمعه دوازدهم اردیبهشت سال ۱۳۹۳ به خاموشی گرایید.

«چهارمضراب شور ۲»



f

mf

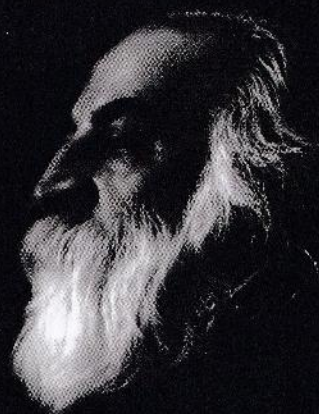
adlib.

p

vib.

«ضربی شور»

*A Collection of Works of
Maestro Mohammad Reza Lotfi*



*Transcription by:
Hooshang Farahani*



Chakad Honar Publication

2021

